

دیدگاه قرآن درباره آموزه معاد در یهودیت و تحلیل عدم ذکر آن در تورات

کسید محمد حاجتی شورکی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
 حسین نقوی / استادیار گروه ادیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
 دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۷

چکیده

آیات قرآن نشان از آن دارند که در تورات ذکر «معاد» آمده است؛ ولی در تورات موجود یادی از معاد نشده است. این نوشتار افزون بر بحث علمی که بررسی دیدگاه قرآن درباره معادباوری یهودیت است، چرایی ذکر نشدن معاد در تورات فعلی را تحلیل می‌کند و آن به این شیوه است که تحلیل‌های مختلف درباره توجیه عدم ذکر معاد در تورات را مطرح کرده، سپس دیدگاه برگزیده خود را بیان می‌کند. دیدگاه برگزیده، تورات را عنوانی برای عهد عتیق و تمام کتاب‌هایی می‌داند که متن مقدس یهودی‌اند، ولی جزو عهد عتیق قرار نگرفته‌اند و با عنوان اپوکریفا و سوداپیگرافا، قانونی درجه اول اعلام نشده‌اند و با بررسی اجمالی برخی از این متون، ذکر معاد در آنها یافت شد. در نتیجه این دیدگاه برگزیده امید می‌رود مطالبی را که قرآن به تورات نسبت داده است، ولی در عهد عتیق نیست، بتوان در کتب اپوکریفایی و سوداپیگرافایی یافت.

کلیدواژه‌ها: معاد، یهودیت، قرآن، تورات، اپوکریفا، سوداپیگرافا.

از مهم‌ترین اصول و مبانی اعتقادی ادیان الهی، باور به حیات پس از مرگ و رستاخیز مردگان پس از زندگانی این جهانی است. پیامبران الهی همواره در کنار پیام توحید، منادی وجود جهانی دیگر بوده‌اند که تحقق حیات حقیقی انسان را در جهان دیگر، وعده می‌دادند؛ اصولاً دعوت به دین و آیین، در صورتی مفهوم و محتوا پیدا می‌کند که زندگی پس از مرگ و بازخواهی از کردارها و گفتارها جزء اصل آن باشد. در غیر این صورت، باید نام آن را مسلک و حزب نهاد، نه دین و آیین (سبحانی، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۲۵). وعده روز قیامت در برنامه همه پیامبران الهی بوده است. به هنگام هبوط حضرت آدم علیه السلام به زمین، خدای متعال توده آدمیان را با مضمون آیه زیر، که حامل پیام حیات پس از مرگ است، خطاب کرد و فرمود: «قَالَ أَهْبُطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ، قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَ فِيهَا تَمُوتُونَ وَ مِنْهَا تُخْرَجُونَ» (از مقام خویش) فرود آید، درحالی که بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر دشمن خواهید بود! (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او!) و برای شما در زمین قرارگاه و وسیله بهره‌گیری تا زمان معینی خواهد بود» فرمود: در آن [زمین] زنده می‌شوید و در آن می‌میرید؛ و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد» (اعراف: ۲۴-۲۵).

این نوع خطابات که مربوط به هبوط آدم و ابتدای آفرینش انسان است، می‌تواند نشانگر مأموریت آدم در زمینه اندیشه معاد در میان فرزندان خود باشد و در نتیجه، وجود تشریح عقیده به معاد را در عصر هبوط مسلم می‌سازد. حضرت نوح علیه السلام در ضمن دعوت قوم خود به طلب آموزش و یادآوری نعمت‌های الهی، مسئله معاد را یادآور می‌شود: «وَ اللَّهُ أَنْتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا»؛ و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید؛ سپس شما را به همان زمین بازمی‌گرداند و بار دیگر شما را خارج می‌سازد! (نوح: ۱۷-۱۸).

قرآن کریم از قول حضرت ابراهیم علیه السلام بیش از دو پیامبر قبلی مسئله معاد را مطرح کرده است، که دو مورد ذکر می‌شود: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روز که حساب برپا می‌شود، ببامر! (ابراهیم: ۴۱)؛ «وَ لَا تَحْزَنْ يَوْمَ يَبْعَثُونَ»؛ و در آن روز که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن! (شعرا: ۸۷).

اعتقاد به روز رستاخیز، در منطق حضرت مسیح علیه السلام از روزی که دیده به جهان گشود، تجلی کرد. او در گهواره این سخنان را فرمود: «وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا»؛ و سلام (خدا) بر من، در آن روز که متولد شدم و در آن روز که می‌میرم و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد! (مریم: ۳۳). در خطابات خدا به مسیح علیه السلام مسئله قیامت و سرای دیگر یک اصل مسلم لحاظ شده است:

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ إِنِّي فَخَرْتُكِ بِمَا تُنكِمُ بَيْنَكُمْ مِمَّا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ، فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَاعَذِّبْهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ، وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَاجِبُ الظَّالِمِينَ.

به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی ﷺ فرمود: «من تو را برمی گیرم و به سوی خود بالا می برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، درباره آنچه اختلاف داشتید، داوری می کنم. اما آنها که کافر شدند (پس از شناختن حق، آن را انکار کردند)، در دنیا و آخرت آنان را مجازات دردناکی خواهیم کرد؛ و برای آنها، یاورانی نیست. اما آنها که ایمان آوردند، و اعمال صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنان را به طور کامل خواهد داد؛ و خداوند ستمکاران را دوست نمی دارد (آل عمران: ۵۵-۵۷).

و در نهایت، اهتمام پیامبر گرامی اسلام ﷺ به مسئله معاد از اینجا روشن می شود که یک سوم آیات قرآن درباره معاد است (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۴۴۳). نوشتار پیش رو درباره معاد در لسان حضرت موسی ﷺ و به طور کلی یهودیت است. قرآن مسئله معاد را در خطابات خدا به حضرت موسی ﷺ یا مذاکرات آن حضرت با قوم خود یا از زبان یهودیان و بنی اسرائیل نقل می کند و همه اینها از عنایات الهی به معاد در آیین حضرت موسی ﷺ حکایت دارد. روند نوشتار بدین صورت است که نخست سه دسته آیات که به ذکر معاد در یهودیت اختصاص دارد، ذکر و توصیف شده اند و در ادامه به تحلیل و بررسی مباحث پیشین پرداخته شده است. این نکته گفتنی است که هیچ اثری اعم از کتاب یا مقاله مشابه نوشتار حاضر یافت نشد و احتمالاً بتوان گفت که این نوشتار برای نخستین بار است که مباحث را بدین صورت بیان کرده است. این نوشتار، افزون بر اینکه سبب افزایش فهم و درک آیات نورانی قرآن کریم است، پاسخی نیز به آن دسته از افرادی است که قائل اند آموزه معاد در یهودیت ریشه نداشت و متأثر از آیین زرتشت در جلای بابل است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حاجتی شورکی، ۱۳۹۷).

۱. معادباوری یهودیت از منظر قرآن

در قرآن کریم آیاتی هست که از وجود باور به معاد و جهان آخرت در میان یهودیان پرده برمی دارد. ظهور یا تصریح آیات قرآن نشانگر این است که باور به معاد به معنای عام آن در میان یهودیان رواج داشته و در کتب آسمانی آنها نیز ذکر شده است. آیات مورد بحث را می توان در سه دسته جای داد: آیاتی که بیان می کند در کتاب حضرت موسی ﷺ از کیفر و پاداش و جهان آخرت سخن به میان آمده است؛ دسته دیگر آیاتی که در آنها حضرت موسی ﷺ جهان آخرت را متذکر می شود؛ و دسته پایانی آیاتی اند که از زبان یهودیان درباره جهان آخرت نقل شده است. ادامه مباحث به ذکر و تفسیر هر سه دسته آیات اختصاص دارد.

۱-۱. معادباوری در کتاب آسمانی حضرت موسی ﷺ

در قرآن کریم برای کتاب آسمانی یهودیان واژگان تورات، الواح، کتاب یا الکتاب، و صحف نام برده شده است که به ترتیب به ذکر معاد ذیل هر کدام از این واژگان پرداخته خواهد شد.

تورات: آیات قرآن به اجمال به برخی از خصوصیات و محتویات تورات اشاره کرده است: هدایتگری برای مردم؛ وجود احکام الهی در آن؛ هدایت و نور در تورات؛ قصاص نفس، عضو و جراحت؛ نام پیامبر اکرم ﷺ در آن

(مائده: ۴۳-۴۵؛ آل عمران: ۳؛ اعراف: ۱۵۷). در یک مورد نیز وعدهٔ بهشت الهی در مقابل معامله با خداوند و قتال در راه خدا در تورات آمده است:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده است که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که) در راه خدا بیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این وعدهٔ حقیقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ! (توبه: ۱۱۱).

خدای سبحان در این آیه به کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کنند، وعدهٔ قطعی بهشت می‌دهد و می‌فرماید که این وعده را در تورات و انجیل هم داده است؛ همان‌طور که در قرآن وعده می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۱۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۸۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۰۶). بنابراین، نه تنها شخص رسول اکرم ﷺ بلکه همهٔ پیامبران حکم جهاد و مبارزه با ستم را، همانند فرمان به تقوا، به مردم ابلاغ کرده‌اند؛ پس حکم جهاد در راه خدا و وعدهٔ مالکیت بهشت و... رهاورد همهٔ انبیاست و به شریعت پیامبر خاتم ﷺ اختصاص ندارد. حضرت موسی ﷺ در تورات، حضرت عیسی ﷺ در انجیل و رسول اکرم ﷺ در قرآن این معاملهٔ نافع را یادآور شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۳۶۱). این آیه می‌رساند که وعده به بهشت، در تورات بوده است و تنها همین بحث اخروی از تورات در قرآن گزارش شده است.

الواح: الواح حضرت موسی ﷺ سه بار در قرآن، آن‌هم تنها در آیات ۱۴۵، ۱۵۰ و ۱۵۴ سورهٔ اعراف ذکر شده است که تنها یک آیهٔ آن مرتبط با بحث حاضر است: «وَكُنَّا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ...»؛ و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم؛ و بیانی از هر چیز کردیم...» (اعراف: ۱۴۵).

بنا بر نظر مفسران، مراد از «الواح»، الواح تورات بوده است؛ یعنی الواحی که تورات نازل شده از طرف خداوند، بر آن نوشته شده بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۴۵ و ۲۵۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۳۷۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۳۳).

ظاهر آیه این است که خداوند الواحی بر موسی ﷺ نازل کرد که شرایع و قوانین تورات در آن نوشته شده بود؛ نه اینکه الواحی در دست موسی ﷺ بود و به فرمان خدا این دستورات در آن منعکس شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۶۳). روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. بر پایهٔ برخی روایات، خداوند چهار چیز را به دست خود خلق، نصب یا کتابت کرد: حضرت آدم، بهشت عدن، نصب شجرهٔ طوبی در بهشت، کتابت الواحی که به حضرت موسی ﷺ داده شد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۳۳۸). «مِنْ» در جملهٔ «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» به شهادت سیاق بعدش، من تبعیضیه بوده و کلمهٔ «مَوْعِظَةً» بیان «كُلِّ شَيْءٍ» است؛ و معنایش این است که ما در

لوح‌هایی که به موسی علیه السلام دادیم، از هر چیزی که عامل اندرز و پندگیری است، نمونه‌ای برگزیدیم و ثبت کردیم (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۳۰، ص ۳۰۱). در تفاسیر روایی نیز از معصومین علیهم السلام نقل شده است که «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» را نشانه این دانسته‌اند که به حضرت موسی علیه السلام بعضی از هر چیزی داده شده است، نه همه چیز: «عن عبدالله بن الولید قال: قال أبو عبدالله علیه السلام قال الله لموسى: وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، فَعَلِمْنَا أَنَّهُ لَمْ يَكْتَبْ لِموسى الشىء كله...» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۶۶؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۵؛ عروسی حویزی، ج ۲، ص ۶۸).

در ادامه آیه می‌فرماید: «وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ»؛ اما در دیگر بخش‌ها به تفصیل سخن گفتیم. بر این اساس، میان این جمله با جمله قبلی هیچ منافاتی نیست؛ زیرا در مباحث اخلاقی می‌توان در هر موضوعی به ذکر چند نمونه بسنده کرد؛ اما در محورهای دیگری، مانند عقاید و احکام می‌بایست به تفصیل سخن گفت. قدر متیقن از «تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ» بیان مسووط همه حقایقی است که در هدایت مردم اثر اساسی داشته باشد. قرآن کریم تورات موجود در دست بنی‌اسرائیل را «تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ» می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۳۰، ص ۳۰۱ و ۳۸۹). یکی از مصادیقی که برای «تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ» بیان شده، ذکر قیامت و بهشت و جهنم است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۳۳).

الکتاب: آیه دیگری که مشابه آیه پیشین است، آیه ۱۵۴ سوره انعام است: «ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَاماً عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهِمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ»؛ سپس به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ (و نعمت خود را) بر آنها که نیکوکار بودند، کامل کردیم؛ و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود، در آن) روشن ساختیم؛ کتابی که مایه هدایت و رحمت بود؛ شاید به لقای پروردگارشان (و روز رستاخیز)، ایمان بیاورند!

در آیه پیشین تعبیر به «الواح» شده بود؛ در این آیه تعبیر به «الکتاب» شده است. به گفته مفسران، کتاب موسی علیه السلام تورات است و الف و لام در «الکتاب» برای عهد و ناظر به همان کتاب است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۲۷، ص ۵۳۰). در این آیه، دوباره از «تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ» سخن به میان آمده است که به گفته طباطبایی، یعنی این کتاب را فرستادیم تا در آن، تفصیل جمیع احتیاجات بنی‌اسرائیل و هر چیزی را که غیر بنی‌اسرائیل از آن منتفع می‌شوند، در دسترسشان قرار داده باشیم؛ و هدایت و رحمتی بوده باشد که به آن متنعّم و منتفع شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۸۳). آنچه قابل توجه است، ذیل آیه است که می‌فرماید: «لَعَلَّهِمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ». از این بخش آیه دو نکته استفاده شده است:

۱. بنی‌اسرائیل از ایمان به مسئله معاد استتکاف داشته‌اند (همان)؛
۲. خداوند متعال هدف از نزول تورات را ایمان به معاد می‌شمارد. خدا این کتاب را با اوصاف چهارگانه (تتمیم، تفصیل، هدایت و رحمت) فرستاد، تا بنی‌اسرائیل قیامت را باور کنند؛ زیرا آنچه اثر عملی دارد، باور قیامت است که صحنه پاداش و کیفر است؛ نه صرف اعتقاد به توحید و اوصاف خدا. از این‌رو از قیامت به لقای پروردگار یاد شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۲۷، ص ۵۲۷).

صحف: در سوره‌های اعلی و نجم، قرآن دوبار از صحف موسی ﷺ یاد کرده است که در سوره نجم به تفصیل بعضی از محتوای صحف موسی را برمی‌شمارد:

«إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى»: این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است؛ در کتب ابراهیم و موسی (اعلی: ۱۸-۱۹). واژه «هَذَا» در آیه ۱۸، اشاره به محتوای چهار آیه قبلی دارد؛ یعنی «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى، بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَتَقَى»: چنان‌که در حدیثی پیامبر اکرم ﷺ به ابودر این مطلب را فرمودند:

حَدَّثَنَا... عَنْ أَبِي دُرٍّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَحَدَّثَهُ فَأَعْتَمَتْ خَلْوَتُهُ فَقَالَ لِي يَا أَبَادُرٍّ لِلْمَسْجِدِ تَحِيَّةٌ قُلْتُ وَ مَا تَحِيَّتُهُ قَالَ رَكَعَتَانِ تَرَكَعَهُمَا... قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا كَانَتْ صُحُفُ مُوسَى قَالَ كَانَتْ عِبْرَاتِيَّةً كُلِّهَا وَ فِيهَا عَجَبَاتٌ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ وَ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالنَّارِ لِمَ يَضْحَكُ وَ لِمَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَ تَقْلِبُهَا بِأَهْلِهَا لِمَ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا وَ لِمَنْ يُؤْمِنُ بِالْقَدَرِ كَيْفَ يَنْصَبُ وَ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لِمَ لَا يَعْجَلُ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ فِي أَيْدِينَا مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِمَّا كَانَ فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى قَالَ يَا أَبَادُرٍّ أَقْرَأَ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى، بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، وَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَتَقَى، إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى، صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى (ابن بابويه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۲۳؛ همو، ۱۴۰۳ق، ص ۳۳۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۰).

در این حدیث چند مورد از مباحث مرتبط با جهان پس از مرگ و آخرت ذکر شده که در صحف موسی ﷺ آمده است: یقین به مرگ، که همان خروج از عالم دنیا و ورود به جهان دیگر است؛ یقین به آتش جهنم؛ یقین به حساب و کتاب؛ و برتری آخرت بر دنیا از نظر کیفیت و دوام.

در آیه ۳۶ سوره نجم نیز از صحف موسی ﷺ و ابراهیم ﷺ یاد شده است و آیات بعد از آن گزارشی درباره محتوای صحف موسی ﷺ و ابراهیم ﷺ می‌دهد؛ از جمله اینکه هر کس مسئول گناهان خویش است؛ بهره هر کس در آخرت، همان سعی و کوشش اوست؛ و خداوند به هر کس در برابر عملش جزای کامل می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۷۲-۲۷۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۴۶):

أَمْ لَمْ يُبَيِّنْ لِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَى الْأَنْزَارِ وَازْرَعَةَ وَزَرَ أُخْرَى وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى، وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى، ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى.

یا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده، باخبر نشده است؟! و در کتب ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را به‌طور کامل ادا کرد؛ که هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست؛ و اینکه تلاش او به‌زودی دیده می‌شود؛ سپس به او جزای کافی داده خواهد شد! (نجم: ۳۶-۴۱).

به‌تصریح این آیات، در صحف ابراهیم ﷺ و موسی ﷺ مباحث آخرت و کيفر و پاداش کامل مطرح شده است.

۲-۱. معادباوری در کلام حضرت موسی ﷺ

دسته دیگری از آیات، مسئله معاد را در خطابات خدا به حضرت موسی ﷺ یا مذاکرات موسی ﷺ با قوم خود نقل می‌کند. از جمله نخستین موضوعات وحی شده به حضرت موسی ﷺ زمانی که به رسالت مبعوث شد، موضوع قیامت و جزا و پاداش در آن روز بود:

وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ، إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي، إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِيَجْزِيَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ.»

و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم؛ اکنون به آنچه بر تو وحی می‌شود، گوش فرا ده! من «الله» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا بپرست و نماز را برای یاد من به‌پا دار! به‌طور قطع رستخیز خواهد آمد! می‌خواهم آن را پنهان کنم تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود جزا داده شود! (طه: ۱۳-۱۵).

در این آیه، خداوند به حضرت موسی علیه السلام موضوع جهان آخرت و جزای اعمال را یادآوری کرده است. در این قسمت، چند مورد از یادآوری‌های حضرت موسی علیه السلام درباره قیامت ذکر می‌شود:

۱. فرعون از قوم خود درخواست کرد که اجازه دهند او موسی را بکشد؛ زیرا از آن می‌ترسد که دین قوم او را دگرگون سازد. موسی علیه السلام در پاسخ به او چنین گفت: «إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ»؛ من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد! (غافر: ۲۷). حضرت موسی علیه السلام خطاب به فرعون و همفکرانش می‌فرماید: من به خدا پناه می‌برم از شر هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۲۸).

۲. در سوره یونس، حضرت موسی علیه السلام به هنگام نفرین بر آل فرعون چنین می‌گوید: «وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»؛ پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده‌ای. پروردگارا! در نتیجه (بندگانت را) از راه تو گمراه می‌سازند! پروردگارا! اموالشان را نابود کن! و (به جرم گناهانشان)، دل‌هایشان را سخت و سنگین ساز؛ به‌گونه‌ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند! (یونس: ۸۸). اینجا هم سخن از عذاب دردناک است.

۳. حضرت موسی علیه السلام در پاسخ به کسانی که معجزه‌های او را به سحر توصیف کردند، چنین فرمود: «رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِي وَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»؛ پروردگارم از حال کسانی که هدایت را از نزد او آورده‌اند، و کسانی که عاقبت نیک سرا (ی دنیا و آخرت) از آن آنهاست، آگاه‌تر است! مسلماً ظالمان رستگار نخواهند شد! (قصص: ۳۷). این آیه پاسخ موسی علیه السلام به فرعونیان است. پروردگار من - که همان رب العالمین است و خلقت و امر به دست اوست - از شما داناتر است به کسی که هدایتی می‌آورد و کسی که موفق به دار آخرت می‌شود. مراد از «عَاقِبَةُ الدَّارِ» در جمله «وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ»، یا بهشت است که همان خانه آخرت است یا سرنوشت خوب دنیاست یا آنکه اعم از دار دنیا و دار آخرت است؛ که از این سه احتمال، سومی بهتر از آن دو، و سپس دومی بهتر از اولی است؛ چنان که تعلیل «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» هم مؤید آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۶).

دسته دیگری از آیات، نقل کلام بنی اسرائیل و یهودیان است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به جهان آخرت و کيفر و پاداش اشاره دارند و قرآن کریم در آیات ذیل آنها را بازگو کرده است:

۱. یهودیان درباره گناهکاران از قوم خود قائل بودند که چند روزی بیش عذاب نخواهند دید: «وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً»؛ و گفتند: هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید (بقره: ۸۰). مرجع ضمیر در «قالوا» یهودیان است (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۳).

۲. زعم باطل یهودیان این بود که بهشت را مختص خود می دانستند و غیر یهودی - اعم از مسیحی و مسلمان - را مستحق بهشت نمی دانستند: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى»؛ آنها گفتند: هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد (بقره: ۱۱۱). مسیحیان نیز بر این عقیده باطل بودند که بهشت تنها از آن مسیحیان است و غیرمسیحی - خواه یهودی یا مسلمان - وارد بهشت نمی شود. بنابراین هر یک از این دو طایفه، بهشت را منحصرأ از آن خود می دانستند.

در آیه دیگر می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ بگو: اگر (چنان که مدعی هستید)، آن سرای دیگر در نزد خدا مخصوص شماست، نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید؛ اگر راست می گوئید! (بقره: ۹۴). مراد از «الدَّارُ الْآخِرَةُ» بهشت است. یهودیان بر اثر روحیه نژادپرستی و خودبرتربینی، بهشت را از آن خویش می دانستند و می گفتند: به فرمان خدا، آخرت به طور خالص و سالم از رنج و درد، تنها از آن ماست؛ نه اینکه همچون لذت های دنیا آمیخته با درد و رنج بوده یا اشتراک پذیر باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۵۴۹).

۳. آیه دیگر از لسان قوم موسی خطاب به قارون است که جهان آخرت را به او یادآوری می کنند:

ان قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ، وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا.

قارون از قوم موسی بود؛ اما بر آنان ستم کرد. ما آن قدر از گنج ها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی دارد! و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (قصص: ۷۶-۷۷).

قوم قارون در اندرز به قارون گفتند: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ»؛ از اموال دنیایی، خانه را آخرت طلب کن.

۴. مؤمن آل فرعون که در باطن به نبوت موسی ﷺ ایمان داشت، ولی تظاهر نمی کرد، در تذکرات خود به قوم خویش مسئله خوف از معاد را به عبارات گوناگونی مطرح می کند:

و قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ... وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَخْرَابِ... يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ يَوْمَ تُنَادُونَ مُذَبَّرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ... يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَاشْرِكُ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ (غافر: ۲۸-۴۲).

مؤمن آل فرعون از دودمان خود فرعون، یعنی از نژاد قبطیان، و نیز از خواص درباریان وی بود و کسی از ایمان درونی او خبردار نشده بود؛ چون ایمان خود را از آنان پنهان می‌داشت و تقیه می‌کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۲۸). طبق این آیه، وی به نصیحت فرعون و فرعونیان می‌پردازد و آنها را با «یا قَوْمِ: ای قوم من» صدا می‌زند. در چندین جای گفتار مؤمن آل فرعون، سخن از معاد و کیفر و پاداش آمده است. مراد از «یوم التناد» در آیه ۳۲، روز قیامت است. در آیات بعدی نیز از آخرت و نجات از جهنم و ورود به بهشت یاد می‌کند. همه این آیات، حاکی از این است که عقیده به معاد در آیین مصریان مطرح بود و این مرد الهی از چنین اصل مسلمی برای انداز قوم خود بهره می‌گرفت (سبحانی، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۱۴). از آنجاکه این مرد، مؤمن به حضرت موسی علیه السلام بود. بنابراین معادباوری در دین حضرت موسی علیه السلام هم ثابت می‌شود.

۵. آیه دیگری که بر باور به معاد در میان بنی اسرائیل دلالت دارد، قصه ساحران فرعون است که در سوره اعراف آمده است: «لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ، قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»؛ سوگند می‌خورم که دست‌ها و پاهاى شما را به‌طور مخالف [دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست] قطع می‌کنم؛ سپس همگی را به دار می‌آویزم! (ساحران) گفتند: (مهم نیست؛) ما به‌سوی پروردگاران بازمی‌گردیم! (اعراف: ۱۲۴-۱۲۵). ساحران فرعون، پس از آنکه به موسی علیه السلام ایمان آوردند و فرعون آنها را به قتل تهدید کرد، گفتند: «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ». بنا بر نظر علامه طباطبایی، این جمله دلالت بر ایمان ایشان به معاد دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۱۸). بنابراین آیه یادشده نیز - گرچه نص در معاد نیست - ظهور در معاد و اشاره به آن دارد.

۲. تحلیل و بررسی

مجموعه آیاتی را که ظهور یا تصریح به وجود باور به معاد در دین یهود دارند، می‌توان در دو دسته کلی آثار مکتوب و سنت شفاهی تحلیل کرد. درباره آثار مکتوب یهودیت در قرآن، مشتمل بر عناوین تورات، کتاب یا الکتاب، الواح و صحف، چند نکته قابل ذکر است:

۱. مفسران معمولاً این چهار عنوان در قرآن را به یک چیز بازمی‌گردانند و مراد از آنها را همان تورات می‌دانند؛ یعنی یک کتاب آسمانی در یهودیت وجود داشته که قرآن با نام‌های مختلف از آن یاد کرده است (تورات، صحف، الواح و الکتاب). از آیات قرآن شواهدی بر نفی یا اثبات این مدعا وجود ندارد. واژه تورات هجده بار در

قرآن ذکر شده است و نکته قابل توجه اینکه آیات قرآن تورات را نازل شده از جانب خدا می‌داند؛ ولی در هیچ جای قرآن نیامده است که ما به موسی تورات دادیم؛ بلکه ذکر شده است: ما به موسی کتاب دادیم. قرآن در ده مورد تعبیر «آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ» (بقره: ۵۳ و ۸۷؛ انعام: ۱۵۴؛ هود: ۱۱۰؛ اسراء: ۲؛ مؤمنون: ۴۹؛ فرقان: ۳۵؛ قصص: ۴۳؛ سجده: ۲۳؛ فصلت: ۴۵) و در یک مورد درباره وی و برادرش هارون، تعبیر «وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ» (صافات: ۱۱۷) را آورده است. دو بار نیز «آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ» (بقره: ۵۳) و «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ» (انبیاء: ۴۸) را مطرح کرده است؛ ولی در قرآن تعبیر «آتَيْنَا مُوسَى التَّوْرَةَ» نیامده است؛ یعنی به موسی ﷺ تورات داده نشده، ولی کتاب داده شده است. صحف و الواح نیز مانند کتاب است که قرآن آن را به حضرت موسی ﷺ نسبت می‌دهد.

۲. در همه موارد کاربرد تورات در قرآن، تنها یک مورد است که از آن برداشت می‌شود که ذکر بهشت در تورات آمده است. البته این برداشت مبتنی بر این تفسیر است که «فی التوراة و الانجیل و القرآن» اشاره به این دارد که جهاد در راه خدا و وعده مالکیت بهشت، در هر سه کتاب ذکر شده است. احتمال ضعیف دیگری که برای آیه ذکر شده، این است که اوصاف امت پیامبر خاتم ﷺ، یعنی همان جهاد و جان‌فروشی در مقابل مالکیت بهشت، در تورات و انجیل هم یاد شده است؛ همان‌گونه که در آیه ۲۹ سوره فتح ویژگی‌های امت رسول خدا ﷺ، همچون ستیز با کافران، مهرورزی با مؤمنان و سجده و رکوع طولانی برای خدا، در تورات و انجیل آمده است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۵۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶ ص ۲۹). طبق این تفسیر، آیه در مقام اخبار از وعده دادن به بهشت در تورات نیست؛ بلکه می‌خواهد بفرماید: در تورات و انجیل نیز آمده است که امت پیامبر اکرم ﷺ به جهاد در راه خدا می‌پردازند و پاداش آنها بهشت اخروی است.

درباره «الکتاب» نیز تنها آیه ۱۵۴ سوره انعام وارد شده که در ذیل آن آمده است: «لَعَلَّهُمْ يَلْقَاءَ رَبَّهُمْ يُؤْمِنُونَ» که مفسران آن را به روز قیامت و کيفر و پاداش آن روز تفسیر کرده‌اند و آن را علت ایتای کتاب به حضرت موسی ﷺ دانسته‌اند. خداوند متعال هدف از نزول تورات را ایمان به معاد می‌شمارد. در آیه تصریح نشده است که در «الکتاب» که به موسی داده شده، مباحث اخروی آمده است؛ گرچه اشاره و شاید ظهور در این معنا باشد.

آیه دیگر درباره الواح حضرت موسی ﷺ است که آن را چنین توصیف کرده است: «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً». بنا بر احادیث، «مِنْ» در آیه شریفه، مِنْ تَبْصِيْهِهٖ است؛ یعنی مواضع اخلاقی به‌صورت برگزیده آمده است. توصیف دیگر الواح، «تَفْصِيْلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» است که مفسران آن را به تفصیل مباحث اعتقادی، از جمله وعد و وعید، تفسیر کرده‌اند. بنابراین، این آیه نیز مانند آیه قبلی که در آن «تَفْصِيْلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» به کار رفته است، گرچه تصریح به معاد ندارد، اما از باب اینکه هر چیزی - قدر متیقن آن اموری که مایه هدایت و سعادت افراد است - به تفصیل آمده، می‌توان مسئله وعد و وعید و قیامت را نیز از جمله آن امور تفصیلی برشمرد.

دو آیه دیگر مربوط به صحف حضرت موسی ﷺ آیات ۱۸ و ۱۹ سوره اعلی است: «إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى، صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى». بنا بر حدیث وارده در ذیل آن، کلمه هذا به چهار آیه قبل از جمله «وَ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَنْفَى» اشاره دارد. در سوره نجم نیز محتویات صحف ابراهیم و موسی برشمرده شده که نخستین موارد آن شامل مباحث عمل انسان و کيفر و پاداش روز قیامت است.

بنابراین می‌توان گفت که در میان آیات مرتبط با آثار مکتوب یهودیت، تنها صحف حضرت موسی ﷺ است که آیات قرآن به روشنی بیان می‌کند که در آنها مباحث جهان آخرت آمده است؛ اما درباره آیات مرتبط با تورات، کتاب و الواح، مانند صحف حضرت موسی ﷺ به وجود مباحث آخرت در آنها تصریح نشده است؛ ولی ظهور یا اشاره به وجود بحث معاد در آن کتاب‌ها فهمیده می‌شود.

درباره سنت شفاهی باید گفت: به روشنی از آیات قرآن فهمیده می‌شود که سخن از معاد و تذکر به آن، در کلام حضرت موسی ﷺ و پیروان او بوده است؛ چنان که در کلام حضرت موسی ﷺ جملاتی همچون «لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ»، «وَ أَشَدُّ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» و «مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ» آمده است. همچنین از سوره طه به روشنی فهمیده می‌شود که مسئله معاد در نخستین پیام آن حضرت وجود داشته است. درباره یهودیان و پیروان حضرت موسی ﷺ نیز در آیات متعددی حکایت شده است که به بهشت و جهنم و کيفر و پاداش تصریح کرده‌اند؛ همچون «أَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا إِيَّاماً مَعْدُودَةً»؛ «لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا»؛ «وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ»؛ «يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ» و... که آیات آن در مباحث پیشین نقل شد.

بنابراین می‌توان گفت که در سنت شفاهی منقول از حضرت موسی ﷺ و پیروانش، درباره معاد و جهان آخرت بیشتر بحث شده است تا در آثار مکتوب دینی یهودیت.

جالب اینجاست که امروزه نیز در تورات مکتوب یهودیت، بحثی درباره معاد و کيفر و پاداش مطرح نشده است. برخی ادیان پژوهان بر این باورند که نه تنها در اسفار پنج‌گانه تورات، بلکه در هیچ جای عهد عتیق، مسئله معاد نیامده است و اگر در مواردی تعبیر «آخرت» آمده، مانند تثنیه ۸: ۱۶ و مراثی ارمیا ۴: ۱۸، به معنای عاقبت دنیوی است؛ و اگر در مواردی سخن از وعد و وعید یا کيفر و پاداش آمده، مراد دریافت ثواب از طریق جلب نعمت‌ها و عقاب از طریق سلب نعمت‌های این‌جهانی است؛ یعنی دینداری در جلب نعمت‌های این جهان و بی‌دینی در سلب آنها تأثیر مستقیم و قطعی دارد، که در باب ۲۸ سفر تثنیه و باب ۲۸ و باب ۲۶ سفر لاویان به این موضوع پرداخته شده است (بلاغی، ۱۴۳۱ق، ج ۴، ص ۷۶۲؛ توفیقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

ولی در سنت شفاهی یهودیت که در مجموعه‌ای به نام «تلمود» گردآوری شده و احیاناً آن را «تورات شفاهی» می‌نامند، درباره معاد بسیار سخن گفته شده است؛ برای نمونه در کتاب *گنجینه‌ای از تلمود* چنین آمده است: «باور به قیام مردگان و معاد، یکی از اصول دین و ایمان یهود است و انکار آن، گناهی بزرگ محسوب می‌شود. علمای یهود اعتقاد به رستاخیز را موضوع یکی از دعاهاى "برکات هجده گانه"، که بخش مهمی از نمازهای روزانه است، قرار دادند» (کهن، ۱۳۸۲، ص ۳۶۲).

فرقه منقرض شده صدوقیان - که سنت شفاهی (تلمود) را قبول نداشتند - باور به جاودانگی روح و معاد را انکار کرده و معتقد بودند جزای نیکی و بدی در همین دنیا داده می‌شود؛ ولی فریسیان - که علاوه بر کتاب مقدس، سنت شفاهی را پذیرفته‌اند - به قیامت معتقدند (توفیقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

پرسش پایانی این است که: چرا آن گونه که از آیات قرآن به وضوح باور به معاد در یهودیت برداشت می‌شود، در تورات این مسئله بسیار مهم ذکر نشده یا مبهم ذکر شده است؟ در پاسخ به این سؤال، و جوهی را به صورت احتمال می‌توان ذکر کرد:

۱. یک احتمال را /این کمونه دانشمند یهودی، ذکر کرده است؛ مبنی بر اینکه در آن زمان بحث معاد در اولویت اعتقادی مردم نبوده؛ از این رو در تورات ذکر نشده است:

انبیا به راهنمایی خداوند، پزشکان و طبیب دل‌ها هستند. همان گونه که طبیب بدن، دردی [را] که در جسم مریض هست، مداوا می‌کند، پیامبران نیز که طبیب جان هستند، دردی [را] که در جان مردم آن زمان هست، مداوا می‌کنند. مردم زمان موسی از منکرین ثواب و عقاب آخرت نبودند؛ بلکه مرضشان پرستش بت‌ها و ستارگان و... بود و معتقد بودند که پرستش غیر خدا موجب آبادانی زمین و افزایش میوه هاست... خداوند می‌خواست این افکار غلط را از اذهان آنان محو کند و اعمال سخت و سنگین بی‌فایده را از دوش آنان بردارد. به وسیله موسی به آنها خبر داد که اگر ستارگان و بت‌ها را پرستش کنند، باران قطع می‌شود و زمین خراب می‌گردد و میوه‌ها و محصولات از بین می‌رود و امراض روی می‌آورند و عمرها کوتاه می‌گردد. اگر به عبادت خدا روی آورند، حاصلخیزی زمین، صحت، سلامتی و طول عمر خواهند داشت. به همین دلیل، وعده و وعیدهایی در همین مورد، در جای جای تورات تکرار شده است تا این اعتقاد فاسد از بین برود و اثرش از جان آنها محو شود و مردم از این اعتقاد بیمار و مفاسدی که این باور باطل به دنبال خود دارد، پاک و مداوا شوند. اگر مرض آنان انکار جاودانگی نفس بعد از مرگ و ثواب و عقاب اخروی بود، به‌طور مکرر در تورات برای تأکید و تقریر ذکر می‌شد؛ اما از آنجا که امر این گونه نبوده، اکتفا کرده به شهرتش (معاد) در بین مردم و اشاره کردن به آن (این کمونه، ۱۳۸۳، ص ۱۵۸-۱۶۰).

تقد این احتمال: احتمال /این کمونه تمام نیست؛ زیرا صرف تأکید بر عبادت خدا و قطع پرستش ستارگان و بت‌ها، فقط اثر علمی دارد، نه عملی. صرف اعتقاد به توحید عبادی، انسان ساز نیست؛ زیرا کسی که فقط در این بخش معتقد بوده و به قیامت اعتقاد نداشته باشد، باز خود را رها می‌پندارد و گمان می‌کند در هر کاری آزاد است؛ از این رو به پرستش بت‌ها و ستارگان روی می‌آورد. بنابراین آنچه تأثیر عملی دارد، باور به معاد و کیفر و پاداش است تا انسان بداند در برابر هر کاری مسئول است؛ یعنی توجه دادن به معاد بهترین راه درمان بیماری پرستش بت‌ها و ستارگان است.

۲. احتمال دیگر این است که تورات اصلی مفقود شده و این تورات موجود دست‌نوشته بشر بوده و شبیه کتاب سیره‌نویسی است؛ بنابراین ضرورت ندارد که سخنی از معاد و رستخیز در آن آمده باشد. به گفته برخی ادیان پژوهان معاصر:

تورات و انجیل کنونی برای مسلمانی که از نور قرآن کریم بهره‌مند است، کتاب‌هایی معمول‌اند که ساختارشان با قرآن مجید مخالف و با کتاب‌های سیره حضرت رسول اکرم ﷺ موافق است. پیام‌های الهی منقول در تورات نیز آن کتاب زمینی را آسمانی نمی‌کند و مانند آیاتی از قرآن است که در کتاب‌های سیره نقل می‌شود. بنابراین ما باید

بگویم تورات و انجیل حقیقی، مانند سایر کتاب‌های الهی (از قبیل صحف ابراهیم مذکور در آیه ۱۹ سوره اعلی) مفقود شده‌اند و جای آنها با این کتاب‌های زمینی و بی اعتبار پر شده است (توفیقی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲-۱۳۳).

۳. فرض سوم این است که تورات موجود فعلی، همان نسخه تورات قدیمی و اصیل است؛ اما در آن تغییرات به زیاده و نقصان رخ داده است. چه بسا در تورات اصیل بندهایی درباره جهان آخرت بوده است که یهودیان به سبب انگیزه جاه طلبی و میل شدید به دنیا، آن بندها را حذف کرده باشند که در قرآن به این خصیصه یهود اشاره شده است:

«وَلْتَجِدْنَهُمْ أُخْرِصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرَ أَلْفَ سَنَةٍ».

و آنها را حریص ترین مردم - حتی حریص تر از مشرکان - به زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت؛ و خداوند به اعمال آنها بیناست (بقره: ۹۶).

بنابراین مطرح نشدن مفاهیم مرتبط با معاد در تورات امروزی، ناشی از حب شدید یهودیان به دنیا و حذف آیات معاد از تورات، و در نتیجه ناظر به تحریف تورات است.

۴. دیدگاه برگزیده این است که تورات را می توان بر کتاب مقدس و تمام کتاب‌های اپوکریفایی و سوداپیگرافی اطلاق کرد، نه فقط بر عهد عتیق؛ به این معنا که نحوه برخورد برخی آیات قرآن نشان می دهد که تورات، مجموع تمام کتاب‌هایی است که به متون وحیانی بنی اسرائیل تا پیش از بعثت حضرت عیسی اشاره دارد. آنچه در تاریخ کتاب مقدس یهودیان آمده، این است که یهودیان، متون مقدس فراوانی داشتند که دانشمندان یهودی در قرن اول میلادی بر ۳۹ کتاب اتفاق کردند و کتاب‌های دیگر را با عنوان اپوکریفا و سوداپیگرافا کنار گذاشتند. قرآن نیز در آیه ۱۵ سوره مائده و آیه ۹۱ سوره انعام به مخفی کردن کتاب توسط یهودیان اشاره دارد. جالب این است که اپوکریفا به معنای مخفی و پوشیده است. هیچ دلیلی بر حصر تورات بر پنج سفر اول تورات یا کل تورات نیست؛ مگر همین شورای دانشمندان یهودی که ذکر آن گذشت و حکم انحصار تورات به این کتاب‌ها توسط آن شورا از لحاظ عقل و شرع پذیرفته نیست؛ یعنی یک یهودی هم می تواند اعتراض کند و حکم آن دانشمندان را زیر سؤال ببرد و قبول نکند. چنان که در تاریخ یهودیت، گروه‌ها و کسانی بودند که با این حکم مخالفت کردند. آیا آن دانشمندان به اذن الهی این کار را کردند که از نظر عقل و شرع حکمشان مطاع باشد؟ (نقوی، ۱۳۹۰).

بنابراین تورات مجموعه گسترده‌ای است که کتاب‌های اپوکریفا و سوداپیگرافی را نیز دربردارد و در این کتب بندهای فراوانی درباره جهان پس از مرگ و حوادث مرتبط با آن آمده است. در کتاب‌های اپوکریفا مواردی از تصریح به معاد ذکر شده است. برای مثال، در کتاب استر، فصل دهم، بند ۳، کتاب حکمت سلیمان نبی، فصل سوم، بند ۷، فصل چهارم، بند ۲۰ و فصل ششم، بند ۱۰، کتاب حکمت یسوع بن سیراخ، فصل هجدهم، بند ۲۰ و کتاب دوم مکابیان، فصل هفتم، بند ۳۵، به روز داوری تصریح شده است. در کتاب حکمت سلیمان نبی، فصل اول، بند ۸، به کیفر عادلانه، در کتاب حکمت سلیمان نبی، فصل چهارم، بند ۱۹ به دوزخ، در کتاب دوم مکابیان، فصل دوازدهم،

بند ۴۳ و ۴۴ و فصل هفتم، بند ۱۴، به رستاخیز مردگان، در کتاب دوم مکابیان، فصل دوازدهم، بند ۴۵، به پاداش کارهای نیک پرهیزگاران، و در کتاب حکمت یسوع بن سیراخ، فصل هفدهم، بند ۲۳ به عقاب بدکاران تصریح شده است.

موردی نیز در کتاب‌های فراموش شده عنین ترجمه استاد توفیقی، که ترجمه برخی از کتاب‌های سوداپیگرافی است، یافت شد که به معاد تصریح دارند. در مزامیر سلیمان، مزمور چهارم، بند ۲، و عهد‌های مشایخ دوازده گانه، فصل اول، بند ۱۸، به داوری اشاره شده است. در مزامیر سلیمان، مزمور چهاردهم، بند ۳، عبارت «تا ابد زنده خواهند ماند» آمده است. در مزامیر سلیمان، مزمور چهاردهم، بند ۹، به یکی از نام‌های جهنم، یعنی هاویه، اشاره شده است. در مزامیر سلیمان، مزمور چهاردهم، بند ۱۰ نیز عبارت «روزی که پارسایان رحمت می‌شوند» آمده است. در کتاب راز خونخ، فصل هشتم، نهم و دهم، کيفر و پاداش و بهشت و جهنم آمده است.

قرآن کریم مطالبی را به تورات نسبت داده است که در این عهد عتیق وجود ندارد. دیدگاه برگزیده با ارائه این نظریه که می‌توان مطالب ادعایی قرآن درباره تورات را در کتاب‌های اپوکریفا و سوداپیگرافا پیدا کرد، چنین احتمالی را تقویت می‌کند که سایر مطالبی را که در قرآن به تورات نسبت داده شده است، ولی در عهد عتیق نیست، با جست‌وجو در این کتاب‌ها می‌توان یافت. البته این راهی است که پیش پای پژوهشگران نهاده شده و امید است که پژوهشگران این آرزو را محقق کرده، به جامعه علمی عرضه کنند.

نتیجه‌گیری

قرآن مسئله معاد را در خطابات خدا به موسی ﷺ یا مذاکرات آن حضرت با قوم خود یا از زبان یهودیان و بنی اسرائیل نقل می‌کند و همگی حاکی از عنایات الهی به معاد در آیین حضرت موسی ﷺ است. در هیچ آیه‌ای به صورت روشن انکار معاد به یهودیان نسبت داده نشده است؛ بلکه در مقابل، با صراحت در آیات فراوانی از عقیده آنان به معاد صحبت به میان آمده و حتی گاه جزئیات اعتقادات آنان درباره بحث نجات از عذاب و... بیان شده است. متأسفانه در تورات کنونی با اهمیتی که بحث معاد دارد، به این مسئله پرداخته نشده است؛ مگر در حد اشاراتی که شاید استنباط معاد از آنها آسان نباشد؛ در حالی که خداوند در قرآن هدف نزول تورات را همان ایمان به معاد می‌شمارد. خلاصه اینکه آیات قرآن نشان از آن دارند که ذکر معاد در تورات آمده است. این نوشتار افزون بر بحث علمی در زمینه بررسی دیدگاه قرآن درباره معادباوری یهودیت، چرایی ذکر نشدن معاد در تورات فعلی را تحلیل می‌کند و آن به این شیوه است که تحلیل‌های مختلف درباره توجیه عدم ذکر معاد در تورات را مطرح می‌کند و پس از آن، به بیان دیدگاه برگزیده خود می‌پردازد. دیدگاه برگزیده، تورات را عنوانی برای عهد عتیق و تمام کتاب‌هایی می‌داند که متن مقدس یهودی‌اند، ولی جزو عهد عتیق قرار نگرفتند و با عنوان اپوکریفا و سوداپیگرافا، قانونی درجه اول اعلام نشدند؛ و با بررسی اجمالی برخی از این متون، ذکر معاد در آنها یافت شد. فایده دیگر این نوشتار، فراهم آوردن پاسخی است برای کسانی که معتقدند آموزه معاد یهودیت از آیین زرتشت متأثر شده است و پیش از جلای بابل، یهودیان آموزه معاد نداشتند و در اثر برخورد با زرتشتیان آن را مطرح کردند و متأثر از زرتشتیان هستند؛ این در حالی است که در آیات قرآن آمده است که حضرت موسی ﷺ و پیروانش به معاد باور داشتند که بیان تفصیلی آن در این نوشتار ذکر شد. یکی دیگر از ثمرات دیدگاه برگزیده این است که امید می‌رود مطالبی را که قرآن به تورات نسبت داده است، ولی در عهد عتیق نیست، بتوان در کتب اپوکریفایی و سوداپیگرافی یافت.

منابع

کتاب مقدس.

الوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
اپوگریفای عهدعتیق، ۱۳۸۳، ترجمه عباس رسول زاده و جواد باغبانی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *.
کتابهای فراموش شده عدن [کتابهایی از سوداپیگرافا]، ۱۳۹۶، گردآورنده: راذرفورد ایچ. پلت جی آر، ترجمه حسین توفیقی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
_____، ۱۴۰۳ق، *معانی الاخبار*، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
ابن کمونه، سعد بن منصور، ۱۳۸۳، *تنقیح الابحاث للملل الثلاث*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
بلاغی، محمدجواد، ۱۴۲۰ق، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد بعثت.
_____، ۱۴۳۱ق، «الهدی الی دین المصطفی»، در: *موسوعة العلامة البلاغی*، المجلد الثانی، الطبعة الثانية، قم، مرکز العالی للعلوم و الثقافة الاسلامیة.

توفیقی، حسین، ۱۳۸۹، *آشنایی با ادیان بزرگ*، ج ۱۳، تهران، سمت.
_____، ۱۳۹۵، *تفسیر پنج موضوع قرآنی*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، *تسنیم*، ج ۵، تحقیق و تنظیم احمد قدسی، قم، اسراء.
_____، ۱۳۸۳، *تسنیم*، ج ۶، تحقیق و تنظیم حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
_____، ۱۳۹۴، *تسنیم*، ج ۳۵، تحقیق و تنظیم حسین شفیعی و عطاالله میرزاده، قم، اسراء.
_____، ۱۳۹۲، *تسنیم*، ج ۳۰، تحقیق و تنظیم حیدرعلی ایوبی و ولی الله عیسی زاده، قم، اسراء.
_____، ۱۳۹۱، *تسنیم*، ج ۲۷، تحقیق و تنظیم محمد فراهانی، قم، اسراء.
حاجتی شورکی، سید محمد، ۱۳۹۷، *معاد در اسلام و آیین زرتشت* (بررسی پنداره اثرپذیری اسلام از آیین زرتشت در آموزه معاد)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *.
سبحانی، جعفر، ۱۳۸۰، *مفاهیم القرآن*، قم، موسسه امام جعفر صادق *.
_____، ۱۳۶۹، *منشور جاوید*، قم، موسسه سیدالشهدا.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، *الدر المشور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی.
صفار، محمدبن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، تحقیق و تصحیح محسن بن عباسعلی کوچبلاغی، چ دوم، قم، مکتبه آیةالله المرعشی النجفی.

طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، صححه حسین الاعلمی، بیروت، اعلمی.
طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۲۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، چ سوم، تهران، ناصرخسرو.

طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الامالی*، قم، دارالثقافه.

—، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.

عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *کتاب التفسیر* (تفسیر عیاشی)، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.

فخر رازی، محمد بن عمر، ۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

کهن، آبراهام، ۱۳۸۲، *گنجینه ای از تلمود*، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، *معارف قرآن: خدائشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی*، چ دوم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی ره.

مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإختصاص*، محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، الموتر العالمی

لالقیة الشيخ المفید.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نقوی، حسین، ۱۳۹۰، «تدوین تورات و انجیل از دیدگاه قرآن»، *معرفت ادیان*، ش ۹، ص ۷-۲۵.